

فضائل و مناقب حضرت بی بی حکیمه (سلام الله علیها) در آثار تاریخی

هدایت نادریان^۱ و نجمه پورمظفر^۲

۲۹

دوره جدید، سال ۸، شماره ۹،
پیاپی ۲۹، بهار ۱۴۰۴

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:
۱۴۰۴/۰۱/۲۷
تاریخ پذیرش:
۱۴۰۴/۰۵/۲۷
صص: ۴۴-۲۴

شاپا چاپی: ۷۴۷۵-۲۵۸۸
الکترونیکی: ۴۷۴۲-۲۶۴۵



چکیده

حضرت بی بی حکیمه (سلام الله علیها)، از دختران امام موسی کاظم (علیه السلام)، خواهر امام رضا و عمه امام جواد (علیهم السلام)، از شخصیت‌های تأثیرگذار و در عین حال کمترشناخته شده در تاریخ تشیع است. ایشان که در جریان ولایتعهدی امام رضا (علیه السلام) و ورود امامزادگان به ایران همراه کاروان بنی هاشم وارد جنوب غربی ایران شد. علی‌رغم اینکه چند قرن از ورود و سپس شهادت ایشان در منطقه می‌گذرد، هنوز به ویژگی‌های شخصیتی، فضایل و نقش این بانو در تاریخ امامت پرداخته نشده است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع تاریخی و حدیثی، به بررسی ابعاد مختلف زندگی، فضایل و نقش آفرینی ایشان می‌پردازد. یافته‌ها حاکی از آن است که بی بی حکیمه (سلام الله علیها)، در کنار حضرت معصومه (سلام الله علیها)، از جایگاهی علمی و اخلاقی والا در خاندان اهل بیت (علیهم السلام) برخوردار بوده و به عنوان یک محدث مورد اعتماد، نقش بسزایی در نقل روایات، به ویژه گزارش‌های معتبر از تولد امام جواد (علیه السلام)، ایفا کرده است. همراهی ایشان با کاروان بنی هاشم در جریان هجرت امامزادگان به ایران و استقرار در منطقه دوگنبدان (در جنوب غربی ایران)، نه تنها نقطه عطفی در زندگی وی محسوب می‌شود، بلکه به عنوان عاملی مؤثر در گسترش و تعمیق فرهنگ شیعی در این نواحی قلمداد می‌گردد. اگرچه منابع به نقش ایشان در حفظ حریم ولایت و ارتباط نزدیک با امام رضا (علیه السلام) اشاره دارند، اما جزئیات سفر، چگونگی شهادت و دامنه کامل فعالیت‌های ایشان نیازمند پژوهش‌های گسترده‌تر است. این پژوهش، گامی در جهت بازشناسی این بانوی بزرگوار و تبیین جایگاه وی در تاریخ امامت و فرآیند گسترش تشیع در ایران به شمار می‌رود.

DOR:

کلیدواژه‌ها: بی بی حکیمه (سلام الله علیها)، دوگنبدان، امام موسی کاظم (علیه السلام)، امام رضا (علیه السلام)، امام جواد (علیه السلام)، محدثان شیعه، گسترش تشیع.

۱- دکترای تاریخ اسلام، استادیار گروه معارف، پردیس شهید ایزدپناه، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. صندوق

پستی ۸۸۹-۱۴۶۶۵. (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی: h.naderyan@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد الهیات، مدرس آموزش و پرورش استان کهگیلویه و بویراحمد. پست الکترونیکی:

n.poormozafar@gmail.com

مقدمه

دوران حیات امام رضا (علیه‌السلام) را باید دوران اوج‌گیری گرایش مردم به اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و دوران گسترش پایگاه‌های مردمی این خاندان در ایران دانست. ایام امامت امام هشتم ۲۰ سال بود که مصادف با حکومت هارون‌الرشید، امین و مأمون عباسی بوده است. امام از پایگاه مردمی شایسته‌ای برخوردار بود. شخصیت علمی و معنوی ایشان در نظر عموم مسلمانان بسیار چشم‌گیر بود. پس از مرگ هارون، در زمان امین شورش‌های شیعی در اکثر نقاط ممالک اسلامی شعله‌ور شد و پس از مرگ امین، مأمون با توجه به موقعیت متزلزلی که داشت به فکر چاره افتاد. او که مادری ایرانی داشت و در خراسان زندگی می‌کرد شهر «مرو» را مقر حکومت خویش ساخت و برای بهره‌مندی از حمایت مردم خراسان، که عمدتاً تمایلات شیعی داشتند، به اهل‌بیت (علیهم‌السلام) و امام شیعیان اظهار ارادت نمود و به بهانه انتقال خلافت به ایشان، امام رضا (علیه‌السلام) را به اصرار از مدینه به شهر مرو فرا خواند. بدین‌سان امام رضا (علیه‌السلام) در سال ۲۰۱ هجری قمری از مدینه هجرت کرد و وارد ایران شد و مدت قریب به سه سال در مرو مستقر شد. مأمون، امام را به اصرار ولیعهد خویش ساخت. این عمل شیعیان را، که از روی کار آمدن حکومت عباسی تحت فشار بودند برای مدتی آزاد ساخت. تمایلات شیعی ایرانیان بروز یافت و شیعه‌گری علنی شد.

البته تا آن زمان بعضی از ایرانیان با جذب روحیات حماسی شیعیان عمدتاً زیدیه و حوق‌طلبی‌های آن‌ها به تشیع گرایش پیدا کرده بودند. لذا تا این زمان، عمده حرکت‌های شیعی با نوعی قیام‌های خونین همراه بود که بدون برنامه منظم و با نوعی ساده‌انگاری و بی‌برنامگی همراه بود. این قیام‌های عمدتاً بی‌حاصل امکانات و جان‌های بسیاری از شیعیان را هدر داد؛ اما در این هنگام تحول بزرگی صورت گرفت و در راستای حرکت‌های فرهنگی تبلیغی امامان شیعه اثنی‌عشری در ایران، «علی بن موسی علیه‌السلام» به ایران آمد و در پی خود خیل کثیری

از داعیان و بزرگان شیعیان امامیه (اثنی عشری) را به ایران کشاند. این داعیان که عمدتاً از سادات بودند، در اکثر مناطق ایران حضور مؤثری داشتند و حتی پس از مرگشان، مدفن آنها مورد زیارت و احترام مردم بومی قرار گرفت. این زیارتگاه‌ها که به عنوان امامزاده مورد توجه مردم قرار داشت به مرور به مرکزی برای انجام شعائر مذهبی و مدرسه آموزش‌های مکتبی شیعیان تبدیل گردید.

این تحولات باعث بروز تحول بزرگی در هویت شیعیان ایرانی و روند پویایی و رشد آنان گردید، به گونه‌ای که سبب گردید تا هویت اجتماعی شیعیان ایران از هویت عمدتاً زیدی به هویت اثنی عشری دگرگون گردد و حرکت‌های شیعیان ایرانی تشنه عدالت، از قیام‌های خام و بی نتیجه به حرکت‌های بزرگ و با برنامه‌ای تبدیل گردید؛ جنبش‌های موفق که سبب ظهور دولت‌های منطقه‌ای بزرگی در ایران شد، دولت‌هایی که هویتی کاملاً شیعی داشتند. در این مقاله سعی ما بر این است تا ضمن معرفی منابع تاریخی که در مورد زندگی فرزندان امام موسی کاظم (علیه السلام) صحبت کرده‌اند، فضایل، مناقب و زندگی حضرت بی بی حکیمه (سلام الله علیها) را به استناد همین منابع مورد بررسی قرار دهیم.

روش پژوهش

روش پژوهش حاضر نیز همچون عمده پژوهش‌های تاریخی با روشی توصیفی-تحلیلی و یا به عبارتی روش تبیینی-تفسیری انجام شده است. گردآوری اطلاعات با استفاده از روش کتابخانه‌ای صورت گرفته است. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش، فیش‌های پژوهشی تهیه شده توسط پژوهشگر است و در صورت نیاز از پایگاه‌های اطلاعاتی و نرم افزارها و سخت افزارهای مربوطه استفاده شده و این اطلاعات در پایان پژوهش و مراحل نگارش مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

معرفی حضرت بی بی حکیمه (سلام الله علیها)

حکیمه دختر امام هفتم، امام موسی الکاظم (علیه السلام)، برادر هشتم، امام علی ابن موسی الرضا (علیه السلام) و عمه بزرگوار امام نهم، امام محمد تقی، جواد الائمه (علیه السلام) است. آنطور که از شواهد و قرائن و برخی روایات استناد می شود، «ام احمد» مادر حضرات بی بی حکیمه، محمد و حمزه و احمد بن موسی معروف به شاهچراغ (علیه السلام) است (بحار الانوار، ج ۴۸: ص ۳۰۳، منتهی الآمال، ج ۲: ص ۴۲۹، نقل در موسوی نژاد سوق)؛ اما مادر حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) همان مادر امام رضا (علیه السلام) است.

در مورد تاریخ ولادت و یا شهادت حضرت بی بی حکیمه (سلام الله علیها) منبع مستندی مشاهده نشده است، اما به قولی می توان از روی تاریخ ولادت حضرت فاطمه معصومه (سلام الله علیها) که در سنه ۱۷۳ هجری، قمری مورد اتفاق مورخین است و تاریخ شهادت پدر بزرگوارشان امام موسی الکاظم (علیه السلام) که سنه ۱۸۳ هجری، قمری مورد اتفاق مورخین است و حضرت دست کم چهار سال در زندان هارون الرشید، حبس کشیده اند، بنابراین احتمال می رود، تاریخ ولادت ایشان، بین سال های ۱۷۳ تا ۱۷۹ هجری، قمری باشد.

توصیف بارگاه و مرقد حضرت بی بی حکیمه (سلام الله علیها) و دو گنبدان در آثار تاریخی

استان کهگیلویه و بویراحمد، بقاع و اماکن متبرکه فراوانی دارد، که بر تارک آن بارگاه حضرت بی بی حکیمه (سلام الله علیها) بنت امام موسی بن جعفر (علیهما السلام) واقع در ۸۰ کیلومتری جنوب غرب گچساران همچون نگینی می درخشد (موسوی نژاد سوق، ص ۶). فارسنامه ناصری که یکی از موثق ترین منابع تاریخی و جغرافیایی است، در مورد استان کهگیلویه و بویراحمد، به توصیف موقعیت این شهر پرداخته است: «دو گنبدان ۸ فرسخ مغربی

«باشت» است». (فسایی، ۱۳۸۲: ج ۲، ص ۱۴۸۰) وی سپس به معرفی ویژگی‌های جغرافیایی محل اطراف امامزاده پرداخته است: «بی بی حکیمه بقعه امامزاده‌ای است، چند درب خانه در کنار آن بقعه، از خدمتکاران آن امام زاده است. چشمه بی بی حکیمه از ناحیه لیراوی از بلوک کوه‌گیلویه از نزدیکی بقعه امامزاده بی بی حکیمه، جاری است. رودخانه کبک و روباه کوه‌گیلویه: آبش تلخ و شور و بی فایده است، از چشمه بی بی حکیمه برخاسته، از میان ناحیه لیراوی کوه‌گیلویه گذشته، در نزدیکی قریه بویرات ناحیه لیراوی به دریای فارس، فرو می‌ریزد» (حسینی فسایی، ۱۳۸۲: ج ۲، ص ۱۴۹۸). مسیر کاروان همراهان بی بی حکیمه (سلام الله علیها) تقریباً همان مسیر کاروان رضوی می‌باشد، با این تفاوت که آن‌ها در ورود به منطقه ارجان با تهدیدات نیروهای امنیتی عباسیان در نقاط مختلف پراکنده می‌شوند. چند سال قبل کاروان رضوی پس از گذر از کارون راه رامهرمز را پیش می‌گیرد و با بهره‌گیری از نعمات دشت جنوبی زاگرس و گذر از رامهرمز به سوی ارجان که در هشت کیلومتری شمال بهبهان قرار دارد، طی طریق می‌کند و با گذر از مارون از طریق پل ساسانی که هنوز آثاری از آن باقی است، در ساحل شرقی رود، اتراق می‌کند و قدمگاهی دیگر برای شیعیان پدید می‌آید. از ارجان تا شهر کهن ابرکوه نشانه معتبری وجود ندارد و در هیچ سند تاریخی به عبور کاروان امام (علیه السلام) از شیراز اشاره‌ای نشده است؛ زیرا علاوه بر طولانی شدن مسیر حرکت، زمینه تماس دوست‌داران ولایت با امام (علیه السلام) مهیاتر می‌گشت به این دلیل عبوری غیر متعارف از دره مارون و گذر از معبرهای کم‌عرض و پرعمق تا رسیدن به تل خسرو (یاسوج) و اقلید و ورود به کویر ابرکوه پیش‌بینی می‌شود و وجود مقابر امامزاده‌ها و زنان نیکوسرشت به‌مانند «بی بی خاتون» در منطقه مبین مسیری است که کاروان نور آن را پیموده است.

نکته‌ای که در این قسمت به آن پرداخته می‌شود، مطلبی است تحت عنوان «قبور کوبینگ بندر گناوه و مقایسه آن‌ها با قبور سیراف» که در کتاب سیراف، بندرطاهری از قول آقای احمد اقتداری در کتاب آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان صفحه ۶۷

تحت عنوان «آثار کوبینگ یا کوبینگ در گناوه» نقل شده است: «..... در سی و شش کیلومتری گناوه بر سر راه دیلم پیش از رسیدن به قریه امام حسن (علیه السلام)، فرودگاه و تأسیسات نفتی وجود دارد که آنرا کوبینگ یا کوبینگ خوانند. در مسیر گناوه - دیلم بر طرف راست جلگه نزدیک به ساحل بر فراز تپه‌ای سنگی که فاصل جلگه و نوار ساحلی است، امامزاده سبزپوشان واقع است. ظاهر عمارت حکایت از قدمتی ندارد. بی‌بی حکیمه نیز زیارتگاه دیگری است که در این منطقه واقع است. بر ارتفاعات شرقی جاده پنج کیلومتر دور از راه، گودال‌هایی به شکل مربع مستطیل به ابعاد یک متر در یک متر و نیم وجود دارد که از سنگ تراشیده شده و بصورت مقابری با جهت شمال شرقی - جنوب غربی، بطور نامنظم پراکنده است. شکل و اندازه مقابر از نوع مقابر سیراف و تیس است، به نظر می‌رسد که مقابر مزبور و همچنین بی‌بی حکیمه، بازمانده تغییر یافته‌ای از دوران ایلامی باشد. بدیهی است حفاری علمی باستان شناسی چگونگی این آثار بسیار کهنه را روشن خواهد ساخت. من به گمان، تعداد مقابر موجود در شرق جاده گناوه - دیلم و در طرف راست امامزاده سبزپوشان را حدود یکصد قبر تخمین زدم.» لازم به یادآوری است این قبور نیز اگر از نوع قبور سیراف باشد متعلق به دوره اسلامی است، به ویژه در جوار امامزاده و زیارتگاه بی‌بی حکیمه نیز قرار گرفته‌اند. و نیز باید یادآور شوم که این زیارتگاه مربوط به دوره اسلامی و زیارتگاه اغلب مردمان اطراف شهرهای کازرون و بوشهر و گناوه است و اغلب زائرین از دهکده‌های ایل‌نشین برای زیارت به آنجا می‌روند و چند شب و روز در بی‌بی حکیمه می‌مانند (معصومی، ۱۳۷۴: صص ۱۴۱ و ۱۴۲).

در سال ۱۳۲۹ ش، بی‌بی حکیمه دهی از دهستان ماهور در شهرستان کازرون بود (کتاب جغرافیا و اسامی دهات کشور، ۱۳۲۹ - ج ۲، ص ۳۲۶). به علت آن‌که در تقسیمات کشوری قبل از انقلاب این منطقه در زمره دهستان‌های کازرون بوده است، در تحقیقات تاریخی و جغرافیایی قرن معاصر نامی از دوگنبدان برده نشده است. مؤلف گرانقدر مرحوم باستانی پاریزی در شرح زیارتگاه‌هایی با پیشوند «بی‌بی» ظاهراً از بی‌بی حکیمه در استان فارس نام

می برد که تاکنون چنین امامزاده‌ای در منطقه کازرون زیارت نشده است و احتمالاً اشتباه به جای دوگنبدان، شهر کازرون را مرقد بی بی حکیمه معرفی کرده اند: در ایران زیارتگاه‌ها، قلعه‌ها، بناها و روستاهایی به نام یا مترادف آن «خاتون» شهرت دارند. بی بی شهربانو در شهر ری تهران، بی بی حیات در رفسنجان، بی بی خاتون در بوشهر و در بهبهان، بی بی حکیمه در کازرون، بی بی کلا (قلعه بی بی) در قائم‌شهر، بی بی دوست در سیستان، امامزاده بی بی هور (=حور) در جهرم و امامزاده بی بی نور و بی بی هور در گرگان از جمله این اماکن هستند (باستانی، ۱۳۴۴: ص ۲۶۸). در فرهنگ لغت دهخدا و در شرح همین لغت، بی بی حکیمه را، دهی از دهستان ماهور و میلانی معرفی کرده است که در بخش خشت کازرون واقع شده است.

نکته دیگر اینکه در معرفی امامزاده بی بی هیبت در نزدیکی باکو نیز ممکن است مؤلف گرفتار همین اشتباه شده باشد؛ زیرا منابع تاریخی از وجود چنین بانویی در زمره اولاد امام موسی کاظم (علیه السلام) خبر نمی‌دهند: «این زیارتگاه‌ها اختصاص به زنان زائر داشتند و مردان نمی‌توانستند به داخل آن‌ها بروند، مانند زیارتگاه بی بی شهربانو که عامه مردم آن را مزار شهربانو دختر یزدگرد سوم و همسر امام حسین علیه السلام می‌دانند. در جنوب غربی باکو، در جمهوری آذربایجان نیز زیارتگاهی هست که به نام بی بی هیبت شهرت دارد. طبق باور مردم، بی بی هیبت دختر امام موسی کاظم (علیه السلام) است که همراه خواهرش فاطمه معصومه (سلام الله علیها) به قصد دیدار برادرش امام رضا (علیه السلام) به طوس می‌رفت و هنگامی که خبر وفات امام را شنید، از خواهرش جدا شد و به رشت و بعد به باکو رفت و در همان‌جا وفات یافت» (فراهانی، ۳۴۲: ص ۶۳).

«بارتولد» که یکی از مستشرقین مشهور می‌باشد، در قسمتی از کتاب خود ضمن بیان تحلیلی از علت حضور امامزادگان در نقاط مختلف ایران در مورد تشابه اسمی این دو امامزاده این مطلب را از یک جهان‌گرد انگلیسی نقل کرده است: «که حضرت علی بن موسی الرضا

(علیه‌السلام) خویشاوندان، برادران و خواهران خود را به گونه‌ای خردمندانه در همه جا پراکند تا مقابر آنان به زیارتگاه بدل شود. این نیز مورد علاقه روحانیت شیعه است. در باکو محلی به نام آرامگاه حکیمه خاتون وجود دارد که خواهر حضرت علی بن موسی الرضا (علیه‌السلام) است. او همان است که مردم محل او را بی‌بی هیبت می‌نامند. این یکی از زیارتگاه‌هایی است که قدمت آن مشخص نیست. در ضمن خویشاوندی ایشان با امام رضا (علیه‌السلام) نیز معلوم نشده است (بارتولد، ۱۳۷۵: صص ۱۲۹ و ۱۳۰). نام اصلی بی‌بی هیبت، فاطمه می‌باشد. موارد فوق‌الذکر نشان از ناشناخته ماندن حضرت بی‌بی حکیمه در نزد محققان می‌باشد. در بعضی منابع از ایشان تحت نام حلیمه و بدل آن نام برده شده است (ابن ابی الثلج، بی‌تا: ص ۱۰۸).

در دانشنامه بزرگ اسلامی در معرفی لغت «بی‌بی» به ریشه ترکی این لغت اشاره می‌کند که نشان می‌دهد احتمالاً اولین کسانی که این لقب زیبا را به اول اسم حضرت اضافه کرده‌اند، شیعیان دوگنبدان بوده‌اند که ترکی تکلم می‌کرده‌اند: «بی‌بی»، عنوان احترام‌آمیز به معنای بانو، کدبانو یا خاتونِ خانه برای بزرگداشت و تکریم زنان. اصل این کلمه ترکی شرقی و به معنای «مادر پیر»، «مادر بزرگ»، «زن صاحب‌جاه»، «خانم»، و در ترکی آناتولی «عمه» است» (دانشنامه بزرگ اسلامی، ۳۶۷-: ج ۱۳، ص ۵۳۲۳).

حضرت بی‌بی حکیمه (سلام‌الله‌علیها) مظهر فضایل و سرچشمه دانش

حضرت بی‌بی حکیمه (سلام‌الله‌علیها) در خاندانی که سرچشمه علم و تقوا و فضایل اخلاقی بود، پرورش یافت. پس از آن‌که پدر بزرگوار آن بانوی گرامی به شهادت رسید، فرزند ارجمند آن امام، یعنی حضرت امام رضا (علیه‌السلام) عهده‌دار امر تعلیم و تربیت خواهران و برادران خود شد و مخارج آنان را نیز بر عهده گرفت. در اثر توجهات زیاد آن حضرت، هر یک از فرزندان امام موسی کاظم (علیه‌السلام) به مقامی والا دست یافتند و زبانزد همگان گشتند.

بدون تردید در میان فرزندان دختر امام موسی کاظم (علیه السلام)، حضرت معصومه (سلام الله علیها) و حضرت بی بی حکیمه (سلام الله علیها) از نظر علمی و اخلاقی، والامقام ترین آنان بوده اند. این حقیقت از اسامی، لقبها، تعریفها و توصیفات که ائمه اطهار (علیهم السلام) از ایشان نموده اند، آشکار است و این حقیقت را روشن می سازد که ایشان نیز چون حضرت زینب (سلام الله علیها) عالمه غیر معلمه بوده است. حضرت بی بی حکیمه (سلام الله علیها) مظهر فضایل و مقامات است. روایات معصومان (علیهم السلام) فضیلتها و مقامات بلندی را به آن حضرت نسبت می دهد. به گواه تاریخ دستگاه خلافت عباسیان پس از هجرت امام رضا (علیه السلام) به مرو تمام توان خویش را به کار بست تا از پیوستن سایر اعضای خانواده به ایشان ممانعت به عمل آورد چنان که احمد بن موسی (علیه السلام) و دیگر برادران امام رضا (علیه السلام) در فارس محاصره و طی نبرد خونین به شهادت رسیدند و دیگر اعضای خانواده آن حضرت به طرز مشکوکی بیمار شدند و در بین راه جان باختند که با توجه به سابقه دستگاه خلافت در آن عصر می توان به یقین گفت که آنان را نیز مظلومانه مسموم و به شهادت رسانده اند. احمد بن موسی (علیه السلام)، رهبر کاروان، پس از درگیری با لشکر فارس به یاران خود دستور دادند لباس مبدل بپوشند و در اطراف پراکنده شوند تا از گزند حکومت مأمون در امان باشند. به همین دلیل گفته می شود بیشتر امام زادگانی که در شهرهای گوناگون ایران مدفون شده اند، جزء همان قافله هستند. مردم ایران چون به سادات و آل رسول عشق می ورزیدند، به این گروه پناه دادند و آنان را یاری کردند. حضور آنان در میان عاشقان اهل بیت پیامبر به گسترش تشیع اعتقادی انجامید. خواهرش فاطمه معصومه (سلام الله علیها) هم در نوبتی دیگر قصد دیدار امامش می کند، که در شهر قم مسموم و مریض و به شهادت می رسند.

ذکر موسی بن جعفر (علیه السلام)

نام‌های فرزندان امام موسی (علیه السلام) در منابع تاریخی همچون تعدادشان گونه‌گون ذکر شده است؛ بعضی با اسم و بعضی با کنیه و شاید یکی از علل اختلاف در تعداد فرزندان آن حضرت همین موضوع باشد. علت دیگر آن را باید در اغلاط و اختلاف نسخه‌ها و تصرف ناسخان دانست. چه بسا بعضی از اسامی افراد، بدل از آنچه در متن آمده در حاشیه نوشته می‌شد؛ ولی نسخه نویسان، بدون توجه آن را متن درج کرده‌اند: کنیه او «ابو الحسن» و «ابو ابراهیم» نیز روایت است و لقب او «العبد الصالح» و «کاظم» نیز گویند و این معروف است. مادرش حمیده بنت الصاعد البربری او را زهر دادند و کشته شد به بغداد اندر سته‌ی سته و ثمانین و مایه و چنین خواندم که رشید هارون معدلان به ری فرستاد که گواه گیرد به املاکی. پس موسی گفت: یا فلان بن فلان و همه را نام ببرد: «امروز زهر خورده‌ام، فردا سرخ گردم و پس‌فردا زرد و باز سیاه و اندران بمیرم» و همچنان بود. پس او را به جانب غربی بغداد دفن کردند، آنجا که اکنون به بغداد مقابر قریش خوانند. و عمر او پنجاه و چهار سال بود. فرزندان: علی، ابراهیم، عقیل، هارون، الحسن و الحسین، عبد الله، اسمعیل، عبید الله، محمد، احمد، جعفر، یحیی، اسحاق، عباس، حمزه، عبد الرحمن، القاسم، جعفر، زید؛ و دختران: خدیجه، ام فروه، ام اسما، علیّه، فاطمه، فاطمه، فاطمه، ام کلثوم، ام کلثوم، ام عبد الله، زینب، ام القاسم، حلیمه، اسما، محموده، امامه، میمونه. جملت بیست پسر و هجده دختر خداوند تعالی او را داده بود- و السلام. (نجم الدین سیف آبادی، ۱۳۷۸: ص ۳۵۳)

در تاریخ بناکتی در بیان شمه‌ای کوتاه از زندگی امام هفتم علیه‌السلام اسامی فرزندان ایشان بیان شده است: «الامام ابو ابراهیم موسی الکاظم علیه‌السلام روز یکشنبه و گویند سه‌شنبه هشتم ماه صفر سنه ثمان و عشرين و مائه در ابواء موضعی است میان مکه و مدینه، در وجود آمد و پنجاه و یک سال و پنج ماه و هفده روز بزیست و در عهد هارون الرشید روز آدینه

بیست و پنجم ماه رجب سنه ثلاث و ثمانین و مائه در بغداد وفات یافت، و او را سی و هفت فرزند بود: هجده پسر و نوزده دختر. پسران: علی، ابراهیم، عباس، قاسم، اسماعیل، جعفر، هارون، حسن، احمد، محمد، حمزه، عبد الله، اسحاق، عبید الله، زید، حسن الاصغر، فضل، سلیمان. دختران: فاطمه الكبرى، فاطمه الصغری، رقیه، حکیمه، رقیه الصغری، ام ابنا کلثم، ام جعفر، لبابه، زینب، خدیجه، علیّه، آمنه، حسنه، بریهه، عایشه، ام سلمه، میمون، ام کلثوم. (بناکتی، ۱۳۴۸: ص ۱۱۴)

شیخ عباس قمی در فصل ششم از کتاب منتهی الامال به بیان اختلاف منابع در تعداد فرزندان حضرت پرداخته و در بیان اولاد و اعقاب حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) از بانو حکیمه نیز نام برده اند: «بدان که در عدد اولاد حضرت موسی بن جعفر (علیه السلام) اختلاف است، ابن شهر آشوب گفته: اولاد آن حضرت فقط سی نفر است، و صاحب عمده الطالب گفته که: از برای آن حضرت شصت اولاد بوده، سی و هفت دختر و بیست و سه پسر و شیخ مفید رحمه الله فرموده که آن‌ها سی و هفت نفر می‌باشند، هجده تن ذکور و نوزده تن اناث و اسامی ایشان بدین طریق است: حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام، و ابراهیم، و عباس، و قاسم، و اسماعیل، و جعفر، و هارون، و حسن و احمد، و محمد، و حمزه، و عبد الله و اسحاق، و عبید الله، و زید، و حسین، و فضل، و سلیمان، و فاطمه کبری، و فاطمه صغری، و رقیه، و حکیمه و ام ابیها، و رقیه صغری، و کلثوم، و ام جعفر، و لبانه، و زینب، و خدیجه، و علیّه، و آمنه، و حسنه، و بریهه». (قمی، ۱۳۷۹ ش، ج ۳، ص ۱۵۴۵)

یکی دیگر از مصادر تاریخی که ذکری از آن بانوی مکرمه دارند، شیخ مشهور شیعه، شیخ طبرسی می‌باشند. ایشان در الفصل السادس فی ذکر عدد اولاده در بیان اولاد امام موسی کاظم (علیه السلام) از ایشان نام می‌برند: «کان له علیه السلام سبعه و ثلاثون ولدا ذکرا و انثی: علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و ابراهیم و العباس و القاسم لامهات اولاد و احمد و محمد و حمزه، لام ولد و اسماعیل و جعفر و هارون و الحسین، لام ولد و عبد الله و اسحاق و عبید الله و زید

و الحسن و ابوالفضل و سلیمان، لامهات اولاد و فاطمه الكبرى و فاطمه الصغری و رقیة و حکیمه و أمّ أبیها و رقیة الصغری و کلثوم و أمّ جعفر و لبابة و زینب و خدیجه و علیة و آمنه و حسنة و بریهة و عائشة و أمّ سلمة و میمونه و أمّ کلثوم (طبرسی، ۱۳۷۶: ج ۲، ص ۳۶). علی بن عیسی اربلی نیز نام ایشان را در عدد اولاد امام هفتم (علیه السلام) بیان کرده اند: «و قال الجنابذی: أبو الحسن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسین بن علی بن أبی طالب (علیهم السلام)، أمّه أم ولد، ولد له علی الرضا و زید و عقیل و هارون و الحسن و الحسین و عبد الله و اسماعیل و عبید الله و عمر و أحمد و جعفر و یحیی و إسحاق و العباس و حمزة و عبد الرحمن و القاسم و جعفر الأصغر و یقال موضع عمر محمد و أبو بکر و من البنات: خدیجه، و أم فروة، و أسماء، و علیة و فاطمة و فاطمة و أم کلثوم و آمنه و زینب و أم عبد الله و زینب الصغری و أم القاسم و حکیمه و أسماء الصغری و محمودة و أمامة و میمونه، عشرون ذکرا و ثمان عشرة انثی» (اربلی، بی تا: ج ۲، ص ۷۴۷).

یکی از نکات مهم در تاریخ امامت وجود پرخیر و برکت دو بانوی مجلله و در فاصله زمانی نزدیک به هم می باشد که هر دو حکیمه نام دارند. اولی که موضوع گفتار حاضر می باشد، دختر امام موسی کاظم (علیه السلام) و دومی حکیمه خاتون دختر امام جواد (علیه السلام) می باشد و شاید امام نهم (علیه السلام) به خاطر علاقه خود به عمه بزرگوارشان این نام زیبا را بر دختر خویش گذاشته اند. این زن با تقوا که از شایسته ترین زنان عصر خود بود، چهار امام را درک کرد و از محضر آنان بهره مند شد: پدر گرامی اش حضرت جواد (علیه السلام)، برادرش حضرت هادی (علیه السلام)، برادر زاده اش امام حسن عسکری (علیه السلام) و امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) که افتخار قابلیت آن حضرت را داشت. از دیگر افتخارات حکیمه خاتون تعلیم و تربیت «نرگس»، مادر امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) است. نرگس دختری رومی بود که به اسارت مسلمانان درآمده بود. حضرت هادی (علیه السلام) او را خرید و خواهر گرامی اش را مأمور کرد تا به او آداب اسلامی بیاموزد. حکیمه نزد امامان علیه السلام احترام

خاصی داشت و مورد وثوق و اطمینان آنان بود تا جایی که به عنوان سفیر امام، عرایض مردم را به امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) می‌رساند و توقیعات امام (عج الله تعالی فرجه الشریف) را به مردم برمی‌گرداند. حتی گویند نواب امام زمان (عج الله تعالی فرجه الشریف) به وسیله این بانو با امام (عج الله تعالی فرجه الشریف) رابطه برقرار می‌کردند. این بانوی گرامی در میان دختران هاشمی از جهت فضل و منقبت، عبادت و تقوی و علم و دانش ممتاز بود. از او روایات بسیاری نقل شده است و آیات زیادی را تفسیر کرده است که دلیل قدرت علمی آن بزرگوار است. او زنان بنی‌هاشم را جمع می‌کرد و به آنان ادب و دانش می‌آموخت. او با یکی از فرزندان امام سجاد (علیه السلام) به نام ابوعلی ازدواج کرد که نتیجه آن یک پسر و یک دختر بود. وفات این بانوی بزرگوار را در سال ۲۷۴ هجری نوشته‌اند. مزار شریفش در جوار امام هادی (علیه السلام) و امام عسکری (علیه السلام) است و علمای شیعه زیارت او را در کنار زیارت ائمه سامراء مستحب می‌شمارند (حسینی شاهرودی، بی تا: ص ۳۱).

گزارش بی بی حکیمه دختر امام موسی کاظم (علیه السلام) از چگونگی تولد امام جواد (علیه السلام) یکی از گزارش‌های موثق و پر تکرار در منابع شیعی می‌باشد. شیخ عباس قمی به نقل از ابن شهر آشوب از حکیمه، دختر امام موسی کاظم (علیه السلام) روایت کرده که امام رضا (علیه السلام) به من فرمود: «ای حکیمه! هنگام وضع حمل خیزران (همسر امام هشتم) در نزد او حاضر باش و من و قابله (ماما) را در یک اتاقی جای داد و چراغی را در آن اتاق نهاد و در آن اتاق را به روی ما بست، وقتی که خیزران درد زایمان گرفت، چراغ خاموش شد و در کنار او طشتی قرار داشت، من از خاموش شدن چراغ، غمگین شدم، در همین هنگام حضرت جواد (علیه السلام) را در میان طشت دیدم و پرده نازکی مانند لباس، بدن او را فرا گرفته بود، نور درخشنده‌ای داشت، به طوری که بر اتاق تابید و آنجا را روشن کرد، من آن نوزاد را گرفتم و بر دامن خود نهادم و آن پرده نازک را از بدنش جدا نمودم، در این هنگام حضرت رضا (علیه السلام) آمد و در اتاق را گشود، در آن وقت که ما از کار نوزاد فارغ شده بودیم، نوزاد را

گرفت و در میان گهواره نهاد و به من فرمود: «ای حکیمه! مراقب گهواره باش» (قمی، ۱۳۸۰: ص ۳۹۲).

ذکر اولاد امام موسی (علیه السلام)

فاطمه معصومه (سلام الله علیها) از جهت شخصیت فردی و کمالات روحی، در بین فرزندان موسی بن جعفر (علیه السلام) بعد از برادرش، علی بن موسی الرضا (علیه السلام) در والاترین رتبه جای دارد. این درحالی است که بنا بر مستندات رجالی، فرزندان دختر امام موسی کاظم (علیه السلام) دست کم هجده تن بوده‌اند و فاطمه معصومه (سلام الله علیها) در بین این همه بانوی گران قدر، سرآمد بوده است. پس از ایشان حضرت بی بی حکیمه (سلام الله علیها) شناخته‌ترین دختر امام موسی کاظم (علیه السلام) می باشند: به قول اکثر علماء و فضلاء عظام، امام موسی کاظم (علیه السلام) بیست پسر و هجده دختر داشت و اسامی اولاد ذکور آن جناب این است: «علی الرضا، زید، ابراهیم، عقیل، هرون، حسن، حسین، عبدالله، اسمعیل، عبیدالله، عمر، احمد، جعفر، یحیی، اسحق، عباس، حمزه، عبد الرحمن قاسم جعفر الاصغر و بعضی عوض عمر، محمد نوشته‌اند و نام‌های بنات مکرماتش این است: خدیجه ام فروه، اسماء علیه فاطمه، ساریه، آمنه، ام کلثوم، زینب، ام عبدالله، زینب الصغری، ام القاسم، حکیمه، اسماء الصغری، محموده، امامه، میمونه، ام سلمه و حمد الله مستوفی در تاریخ گزیده آورده است که امام موسی کاظم (رضی الله عنه) را سی و هفت فرزند بوده از پسر و دختر علی موسی الرضا و ابراهیم و العباس و القاسم لامهات اولاد شتی و اسمعیل و جعفر و هارون و الحسن لام ولد احمد و محمد و حمزه لام ولد و عبد الله و اسحق و عبید الله و زید و الحسین و الفضل و سلیمان لامهات الاولاد و فاطمه الكبرى و فاطمه الصغری و ام جعفر و رقیه و حکیمه ام ابیها و رقیه الصغری و کلثوم و لبابه و زینب و خدیجه و علیه و آمنه و حسنه و ساریه و بریهه و

عایشه و ام سلمه و میمونه و ام کلثوم و افضل اولاد امام موسی؛ بلکه اشرف جمیع برایا علی بن موسی الرضا (علیه السلام) بود (خواندمیر، ۱۳۸۰: ج ۲، ص ۸۱) نکته مهم در خبر فوق بیان لقب زیبای ام ابیها برای آن بانوی گرامی می باشد.

جلوه‌هایی از فضائل و شکوه بی بی حکیمه (سلام الله علیها)

یکی از نکاتی که در همه دوران‌ها و خصوصاً عصر امامت برای خانم‌ها یک افتخار محسوب می شده، «با سواد بودن یک خانم» بوده است که حضرت بی بی حکیمه (سلام الله علیها) دارای دانش و سواد کافی هم برای نقل حدیث و هم کتابت بوده است. ایشان وقایع بیت شریف را به امام رضا (علیه السلام) طی نامه‌ای اطلاع داده، کسب تکلیف کرده و مدیریت می کند: «هنگامی که بارداری «خیزران» معلوم شد، «حکیمه»، دختر موسی بن جعفر (علیه السلام)، خدمت برادرش امام رضا (علیه السلام) نامه‌ای نوشت و آن حضرت را از این امر مطلع ساخت (حسینی شاهرودی، بی تا: ص ۱۹).

در کتاب «الدَّر النَّظِيم» به سند خود از حکیمه دختر امام کاظم (علیه السلام) نقل کرده که گفت: هنگامی که خیزران، حامله شد، برای امام رضا (علیه السلام) نوشتم که: «خادمه تو حامله شده است»، آن حضرت در پاسخ نوشت: «او فلان روز از فلان ماه، حامله شده است، وقتی که زایمان کرد، هفت روز ملازم او باش».

در هنگام تولد امام جواد (علیه السلام)، حضرت امام رضا (علیه السلام) از خواهرش حکیمه خواست تا همراه قابله به زایمان خیزران رسیدگی کند ... شاهد تولد امام معصوم بودن، سعادت است بزرگ که شامل حال هر کس نمی شود و تنها این بانوی بهشتی است که لایق چنین سعادت می شود و چنان به برادرش نزدیک است که او را امین برادر می خوانند. از دیگر جلوه‌های فضائل ایشان می توان به این اشاره کرد که او خود از راویان بزرگ حدیث بوده،

گرچه کمتر روایتی از آن حضرت به ثبت رسیده و شاید ما موفق به دسترسی آن‌ها نشده ایم؛ اما این‌ها چیزی از فضائل آن حضرت نمی‌کاهد؛ بلکه مظلومیت آن حضرت را در این صدهای متمادی یادآور می‌شود. از جلوه‌های آن بانوی بزرگ روایات بی شماری رسیده که در این اندک کلام نمی‌گنجد.

حضرت بی‌بی حکیمه (سلام‌الله‌علیها) مورد وثوق و اعتماد امام رضا (علیه‌السلام) بوده‌اند. در برخی منابع مانند رونالدسن، ص ۲۰۰، از ایشان نام برده شده است. همچنین در یکی دیگر از منابع موثق شیعه، در مورد حکیمه بنت امام موسی‌الکاظم (علیه‌السلام) ذکر شده است که: «حکیمه بنت موسی علیه‌السلام قالت رأیت الرضا علیه‌السلام واقفاً علی باب بیت الحطب و هو یتنجس و کست أری أحداً فقلت سیدی من تنجس فقال هذا عامر الدهرانی أتانی یسألنی و یشکو إلی فقلت سیدی أحب أن أسمع کلامه فقال إنک إن سمعت حمت سنه فقلت سیدی أحب أن أسمع فقلت لی اسمعی فاستمعت فسمعت شبه الصغیر و رکبتنی الحمی سنه». «حکیمه دختر امام موسی (علیه‌السلام) نقل کرده است: امام رضا (علیه‌السلام) را دیدم که جلوی در هیزم‌خانه ایستاده بود و با کسی نجوا می‌کرد و من کسی را نمی‌دیدم، پس گفتم: سرورم با چه کسی نجوا می‌کنی؟ فرمود: این عامر الدهرانی است که نزد من آمده و از من سوالی دراد و از چیزی نزد من شکایت می‌کند. گفتم: سرورم دوست دارم سخنش را بشنوم. فرمود: اگر بشنوی حرارت شدیدی تجربه خواهی کرد. گفتم: سرورم دوست دارم بشنوم. فرمود: پس گوش کن. شنیدم شبیه سوتی و تب شدیدی مرا فرا گرفت یک سال» (ابن شهر آشوبه، ج ۴، ص ۳۴۴).

کیفیت ولادت امام جواد (علیه‌السلام) و حضور حضرت بی‌بی حکیمه (سلام‌الله‌علیها)

حضرت امام محمدتقی (علیه‌السلام) در دهم ماه رجب سال ۱۹۵ هجری قمری در مدینه ولادت یافت. زمانی که امام جواد (علیه‌السلام) متولد شد، حکیمه خاتون دختر امام

موسی بن جعفر (علیه السلام) او را در میان لباس های پاک پیچیده و در آغوش پدر بزرگوارش حضرت رضا (علیه السلام) قرار داد.

ابن شهر آشوب از حکیمه، دختر امام کاظم (علیه السلام) روایت کرده: «هنگامی که وضع حمل خیزران، مادر امام جواد (علیه السلام) فرا رسید، امام رضا (علیه السلام) به من فرمود: «ای حکیمه! هنگام وضع حمل خیزران در نزد او حاضر باش، و من و قابله (ماما) را در یک اطاقی جای داد، و چراغی را در آن اطاق نهاد، و در آن اطاق را به روی ما بست، وقتی که خیزران درد زایمان گرفت، چراغ خاموش شد، و در کنار او طشتی قرار داشت، من از خاموش شدن چراغ، غمگین شدم، در همین هنگام حضرت جواد (علیه السلام) را در میان طشت دیدم و پرده نازکی مانند لباس، بدن او را فرا گرفته بود، نور درخشنده ای داشت، به طوری که بر اطاق تابید و آنجا را روشن کرد، من آن نوزاد را گرفتم و بر دامن خود نهادم و آن پرده نازک را از بدنش جدا نمودم، در این هنگام حضرت رضا (علیه السلام) آمد و در اطاق را گشود، در آن وقت که ما از کار نوزاد فارغ شده بودیم، نوزاد را گرفت و در میان گهواره نهاد و به من فرمود: «ای حکیمه! مراقب گهواره باش».

حکیمه می گوید: وقتی که روز سوم ولادت، فرا رسید، حضرت جواد (علیه السلام) چشم خود را به سوی آسمان نمود و به جانب راست و چپ نگریست و آنگاه گفت: اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا رسول الله: «گواهی می دهم که معبودی جز خدای یکتا نیست و گواهی می دهم که محمد صلی الله علیه و آله رسول خدا است» (قمی، ۱۳۸۰: صص ۳۹۲ و ۳۹۳).

حکیمه می گوید: دهشت زده برخاستم و خود را به امام رضا (علیه السلام) رساندم و عرض کردم: «چیز عجیبی از این نوزاد شنیدم». فرمود: «چه شنیدی؟». ماجرای شهادتین نوزاد را بازگو کردم، امام رضا (علیه السلام) فرمود: یا حکیمه ما ترون من عجائبه اکثر: «ای حکیمه! آنچه از شگفتی هائی که از این نوزاد در آینده خواهی دید، بسیار خواهد بود».

امام هشتم (علیه السلام) طبق سنت حضرت رسول اکرم (صلوات الله علیه) و پدرانش (علیهم السلام)، امام جواد را در آغوش گرفت و در گوش راست او اذان و در گوش چپش اقامه گفت. نام امام نهم محمد و کنیه آن حضرت ابو جعفر، که ابو جعفر الثانی نیز گویند و القاب آن حضرت جواد، تقی، قانع، مرتضی، نجیب، متعجب، متقی و زکی است. پدر آن بزرگوار حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و مادر آن حضرت «خیزران» بود (قدیانی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۷۵۲).

بانو بی بی حکیمه راوی حدیثی مهم درباره فضایل امام نهم (علیه السلام) می باشند: و در درّ النّظیم از حکیمه نقل کرده که حضرت جواد (علیه السلام) روز سیم ولادتش عطسه کرد و گفت: الحمد لله و صلی الله علی سیدنا محمد و علی الأئمة الراشدين (قمی، ۱۳۷۹: ج ۳، ص ۱۷۵۷).

نتیجه گیری

این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و با استناد به منابع تاریخی و حدیثی، به بررسی جایگاه حضرت بی بی حکیمه (سلام الله علیها) پرداخته است. نتایج نشان می دهد ایشان به عنوان یکی از بانوان برجسته خاندان امام موسی کاظم (علیه السلام)، دارای جایگاهی علمی و معنوی والا بوده و در کنار حضرت معصومه (سلام الله علیها) در مدیریت بیت امام رضا (علیه السلام) و نقل روایات معتبر، به ویژه درباره تولد امام جواد (علیه السلام)، نقش مؤثری ایفا کرده است. حضور ایشان در کاروان ورود امام زادگان به ایران و استقرار در منطقه دوگنبدان، به عنوان یکی از کانون های گسترش تشیع در جنوب ایران تأثیرگذار بوده است. با این حال، علیرغم اهمیت تاریخی این شخصیت، جزئیات سفر، چگونگی شهادت و نقش دقیق ایشان در تحولات آن عصر، در منابع به صورت پراکنده و ناقص منعکس شده و نیازمند پژوهش های گسترده تر و

میان رشته‌ای است. احیاء و تبیین دقیق‌تر زندگانی و فضایل این بانوی گران قدر، می‌تواند بر غنای تاریخ تشیع و شناخت عمیق‌تر از نقش زنان در پاسداری از حریم ولایت بیفزاید. منابع تاریخی پس از پرداختن به حضرت احمد بن موسی (علیه السلام) و حضرت معصومه (سلام الله علیها)، بیشترین اخبار را از حضرت بی بی حکیمه (سلام الله علیها) در میان برادران و خواهران امام رضا (علیه السلام) نقل کرده‌اند.

فهرست منابع

ابن ابی الثلج، محمد بن احمد (بی تا). *تاریخ اهل البیت (علیهم السلام)* [تاریخ الأئمه] نقلاً عن الأئمة الباقر و الصادق و الرضا و العسکری عن آبائهم (علیهم السلام)، چاپ اول، قم: موسسه آل البیت (علیهم السلام)؛ لاحیاء التراث.

ابن شهر آشوب، محمد بن علی (بی تا). *المناقب آل ابی طالب*. چاپ اول، جلد ۳، ۲، ۱ و ۴، قم: نشر علامه.

اربلی، علی بن عیسی (بی تا). *کشف الغمّه فی معرفه الأئمه*، چاپ اول، جلد ۱ و ۲، قم: الشریف الرضی.

بارتولد، واسیلی ولادیمیروویچ (۱۳۷۵). *جایگاه مناطق اطراف دریای خزر در تاریخ جهان اسلام*. ترجمه لیلا رین شه، چاپ اول، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم (۱۳۴۴). *خاتون هفت قلعه*. تهران: بی نا.

بناکتی، داود بن محمد (۱۳۴۸). *روضه اولی الالباب فی معرفه التواریخ و الانساب: تاریخ بناکتی*. تهران: انجمن آثار ملی.

حسینی شاهرودی، محمد (بی تا). *تاریخ زندگانی امام جواد (علیه السلام)*. چاپ اول، تهران: اداره آموزش های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه.

خواند میر، غیاث الدین بن همادالدین (۱۳۸۰). *تاریخ حبیب السیر*. چاپ چهارم، جلد ۱، ۲، ۳ و ۴. تهران: خیام.

دانشنامه بزرگ اسلامی (۱۳۶۷-). *جلد سیزدهم، سر ویراستار محمدکاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی*.

رونالدسن، دوایت . ام (بی تا). *عقیده الشیعہ*. چاپ دوم، بیروت: مؤسسه المفید.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۶). *إعلام الوری بأعلام الهدی*. چاپ اول، جلد ۱ و ۲. قم: مؤسسه آل البیت (علیهم السلام) لاحیاء التراث.

فراهانی، میرزا حسین (۱۳۴۲). *سفرنامه*. به کوشش حافظ فرمانفرمایان، تهران: بی نا.

فسایی، حسن بن حسن (۱۳۸۲). *فارسنامه ناصری*. چاپ سوم، جلد ۱ و ۲، تهران: امیرکبیر.

قدیانی، عباس (۱۳۷۸). *فرهنگ جامع تاریخ ایران*. چاپ ششم، تهران: انتشارات آرون.

قمی، عباس (۱۳۷۹). *منتهی الآمال*. چاپ اول، جلد ۱، ۲ و ۳، قم: انتشارات دلیل.

----- (۱۳۸۰). *نگاهی بر زندگی چهارده معصوم (علیهم السلام)*. چاپ سوم. قم: انتشارات

ناصر.

کتاب جغرافیا و اسامی دهات کشور (۱۳۲۹-). وزارت کشور، اداره کل آمار و ثبت احوال. جلد

دوم، تهران: بی نا.

مجلسی، محمدباقر (۱۳۸۹). بحارالانوار. جلد ۴۸، تهران: دارالکتب اسلامیه.

مجمع التواریخ و القصص (۱۳۷۸). از نواده ی مهلب پسر محمد پسر شادی؛ ویراستار سیف

الدین نجم آبادی. [زیگفرید وبر، دومده، نیکارهورن]. تهران: بی جا.

معصومی، غلامرضا (۱۳۷۴). سیراف، بندر طاهری. تهران: انجمن آثار مفاخر فرهنگی؛ تهران:

نشر قطره.

موسوی نژاد سوق، علی (بی تا). نگاهی گذرا به زندگینامه حضرت بی بی حکیمه (سلام الله

علیها) بنت امام موسی کاظم (علیه السلام). (کتابچه) قابل دسترس در کتابخانه دیجیتالی نور.

لینک کوتاه:

<https://noorlib.ir/book/info/۸۴۱۴۹>